



Scientific Journal Quarterly of Middle East Studies

Vol 29. No 4. Winter 2023

Received date: 2023.04.20

Acceptance date: 2023.06.01



مرکز پژوهش‌های علمی و
مطالعات استراتژیک خاورمیانه

Home page: www.cmess.sinaweb.net

DOR: 20.1001.1.15601986.1401.29.4.6.8

Lebanon's Essential Questions and Requirements in 2023

Mohammad Khajouei¹



Abstract

After experiencing a brief period of relative stability between 2016 and 2019, Lebanon has been faced with a critical situation during the past three and a half years. On the one hand, the country's economy is witnessing such crises as unprecedented depreciation of the national currency, a three-digit inflation, and expanding poverty and unemployment, and on the other the country lacks a constitutionally elected president and government possessing full powers. As a result of such a situation, Lebanon faces two essential and immediate questions in 2023: First, reconstruction of the executive branch (election of a president and formation of the government), and second, economic reconstruction. Regardless of the aforementioned questions in the short term, Lebanon encounters mega-crises and fundamental challenges including sectarianism, weakness of the state institutions and lack of national consensus over fundamental political issues. Continuation of these problems poses a serious obstacle to the country's path to sustainable development and lasting stability. This paper seeks to analyze latest conditions in Lebanon and the prospects for the resolution of political and economic crises in the country in 2023.

Keywords: Lebanon, Hezbollah, Political Crisis, Economic Crisis, Sectarianism, France, Iran, Saudi Arabia.

¹- Director of the Department of Lebanese and Syrian Studies at Center for Scientific Research and Middle East Strategic Studies, Tehran, Iran.



مرکز پژوهش های علمی و
مطالعات استراتژیک خاور میانه

فصلنامه علمی مطالعات خاور میانه

سال ۲۹، شماره ۴، پیاپی (۱۱۰)، زمستان ۱۴۰۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۳۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۱۱

Home page: www.cmess.sinaweb.net

DOR: ۲۰.۱۰۰۱.۱.۱۵۶۰۱۹۸۶.۱۴۰۱.۲۹.۴.۶.۸

نوع مقاله: پژوهشی

مسئله ها و بایسته های اساسی لبنان در سال ۱۴۰۲

محمد خواجویی^۱



چکیده

لبنان بعد از یک دوره کوتاه ثبات نسبی در فاصله سال های ۲۰۱۶ تا ۲۰۱۹، طی حدود سه سال و نیم اخیر دوره ای بحرانی را تجربه می کند. از یک سو اقتصاد این کشور شاهد بحران هایی چون کاهش بی سابقه ارزش پول ملی، تورم سه رقمی، گسترش فقر و بیکاری است و از سوی دیگر این کشور فاقد رئیس-جمهوری و دولت قانونی و دارای اختیارات کامل است. در سایه چنین وضعیتی لبنان در سال ۱۴۰۲ با دو مسئله اساسی و فوری روبه رو است: نخست، بازسازی قوه مجریه (انتخاب رئیس جمهوری و تشکیل دولت) و دوم، بازسازی اقتصاد. هرچند که لبنان افزون بر مسائل مورد اشاره در کوتاه مدت، با ابربحران ها و چالش های بنیادینی همچون طایفه گرایی و ضعف نهاد دولت و نبود توافق ملی بر سر مسائل بنیادین سیاسی روبه رو است که ادامه این مشکلات، مانع جدی در مسیر توسعه و ثبات پایدار در این کشور است. مقاله حاضر در صدد تحلیل آخرین وضعیت لبنان و چشم انداز پیش روی حل بحران سیاسی و اقتصادی در این کشور در سال ۱۴۰۲ است.

واژگان کلیدی: لبنان، حزب الله، بحران سیاسی، بحران اقتصادی، طایفه گرایی، فرانسه، ایران، عربستان سعودی.

بحران‌های درهم تنیده اقتصادی و سیاسی لبنان از سال ۲۰۱۹ تا کنون

از پاییز سال ۲۰۱۶ تا پاییز سال ۲۰۱۹ لبنان یکی از معدود دوره‌هایی را تجربه کرد که وضعیت سیاسی و امنیتی و اقتصادی آن از یک ثبات نسبی برخوردار بود. در پاییز سال ۲۰۱۶ بعد از دو سال و اندی که این کشور فاقد رئیس‌جمهوری بود، سرانجام «میشل عون» رهبر حزب مسیحی «جریان ملی آزاد» با پشتیبانی قوی از سوی احزاب مسیحی و نیز شیعی به‌عنوان سیزدهمین رئیس‌جمهور لبنان انتخاب شد.

پس از آغاز به کار عون، کابینه لبنان به ریاست «سعد الحریری» و در قالب دولت وفاق ملی با حضور احزاب مختلف تشکیل شد؛ وضعیت اقتصادی نیز از ثبات نسبی برخوردار بود و بعد از گذراندن دوره بحرانی ناشی از حضور گروه‌های تکفیری تحت تأثیر جنگ در سوریه، وضعیت امنیتی در لبنان نیز شاهد ثبات و آرامش بود.

اما از اکتبر سال ۲۰۱۹ دوره ثبات نسبی در لبنان به پایان رسید. از همان زمان روند بحران در اقتصاد این کشور آغاز شد. اعتراضات مردمی علیه ناکارآمدی و فساد، منجر به کناره‌گیری سعد الحریری از سمت نخست‌وزیری در ژانویه ۲۰۲۰ شد. پس از او «حسان دیاب» نیز نتوانست دولت مقتدر و کارآمدی را برای مهار بحران تشکیل دهد و حدود هفت ماه بعد یعنی در اوت ۲۰۲۰ و پس از انفجار بندر بیروت از قدرت کناره‌گیری کرد. انفجار بندر بیروت که به گفته مقام‌های رسمی، ناشی از انفجار ذخیره ۲۷۵۰ تن آمونیوم نیترات بود که به مدت شش سال در گمرک بندر بیروت بدون ایمنی کافی نگهداری شده بود، باعث کشته شدن ۲۲۰ نفر و زخمی شدن حدود ۷۰۰۰ نفر و آسیب رسیدن به صدها ساختمان شد. برای لبنان که ۸۰ درصد از کالاهای مصرفی خود را از خارج وارد می‌کند، انفجار بندر بیروت به‌عنوان اصلی‌ترین بندر این کشور، ضربه مهلکی را به اقتصاد بحران‌زده لبنان وارد کرد.

از زمان انفجار بندر بیروت تا بیش از یک سال بعد از آن، لبنان عملاً فاقد دولت قانونی بود تا اینکه «نجیب میقاتی» در سپتامبر ۲۰۲۱ با رأی اکثریت پارلمان به‌عنوان نخست‌وزیر لبنان انتخاب شد. در دوره او به‌رغم برخی اقدامات، روند بحران اقتصادی متوقف نشد.

برگزاری انتخابات پارلمانی در مه سال ۲۰۲۲ و در موعد مقرر را شاید بتوان مهم‌ترین دستاورد دولت او دانست. هرچند انتخابات نتوانست گشایشی در وضعیت سیاسی و اقتصادی لبنان ایجاد کند و چه بسا وضعیت این کشور را پیچیده‌تر کرد؛ چرا که به دلیل تکرر و اختلاف میان گروه‌های موجود در پارلمان جدید، این نهاد نتوانست رئیس‌جمهوری جدید را پس از پایان دوره شش ساله میشل عون در اکتبر سال ۲۰۲۲ تعیین کند و کابینه جدیدی هم پس از پارلمان جدید انتخاب نشده است.

در این میان شاید مهم‌ترین اتفاق ثبات‌ساز در لبنان طی یک سال اخیر، توافق لبنان و اسرائیل بر سر ترسیم مرزهای دریایی بود. این توافق که در واقع بر سر تقسیم منابع نفت و گاز موجود در دریای مدیترانه بود با میانجیگری آمریکا حاصل شد و دو طرف نیز از نتیجه آن ابراز خوشنودی کردند و توانست مانع از افزایش تنش بین دو طرف بر سر منابع دریایی شود.

مسئله نخست لبنان در سال ۱۴۰۲: احیای قوه مجریه (انتخاب رئیس‌جمهور و تشکیل دولت)

مهم‌ترین مسئله‌ای که لبنان در سال ۱۴۰۲ با آن روبه‌رو است، انتخاب رئیس‌جمهور جدید است. بقیه مسائل دیگر در لبنان از تشکیل دولت گرفته تا حل مسائل اقتصادی، در گرو روشن شدن سرنوشت کرسی ریاست‌جمهوری است. دوره شش ساله ریاست‌جمهوری میشل عون ۳۱ اکتبر سال گذشته میلادی (۹ آبان ۱۴۰۱) به پایان رسید اما هنوز رئیس‌جمهور جدید انتخاب نشده است و عملاً این کشور در وضعیت خلأ ریاستی قرار دارد.

طبق قانون اساسی لبنان، پارلمان وظیفه تعیین رئیس‌جمهور را بر عهده دارد. طبق تقسیم‌بندی‌های قدرت در میان طوایف لبنان، رئیس‌جمهور باید از طایفه مسیحیان مارونی باشد. به‌رغم برگزاری چند جلسه پارلمان برای تعیین رئیس‌جمهور، هنوز کسی نتوانسته اکثریت لازم را برای تصدی پست ریاست‌جمهوری کسب کند.

پارلمان لبنان ۱۲۸ کرسی دارد و کسی که به‌عنوان رئیس‌جمهور انتخاب می‌شود باید دست‌کم حمایت نصف به اضافه یک کرسی‌های پارلمان یعنی ۶۵ کرسی را به دست بیاورد. از سوی دیگر حد نصاب لازم برای تشکیل جلسه پارلمان برای انتخاب رئیس‌جمهور، ۸۶ نفر است.

انتخابات پارلمانی لبنان که بهار سال گذشته برگزار شد، منجر به تشکیل پارلمانی متکثرتر از دوره قبل شد، به‌طوری که نمی‌توان گفت جریان و ائتلافی خاص پیروز انتخابات شده است. نبود انسجام و وجود اختلافات درونی در بین هر دو بلوک سیاسی ۸ و ۱۴ مارس و نیز وجود شخصیت‌های مستقل و فراجناحی در پارلمان این دوره باعث شده هر یک از این دو بلوک اصلی سیاسی نتواند به راحتی بر سر یک نامزد به اجماع برسد.

«حزب‌الله» و «جنبش امل» به‌عنوان دو حزب اصلی شیعی که همه ۲۷ کرسی متعلق به شیعیان در پارلمان لبنان را در دست دارند، به‌طور رسمی، «سلیمان فرنجه» رهبر حزب مسیحی «جریان المرد» را به‌عنوان کاندیدای اصلی جهت تصدی پست ریاست‌جمهوری معرفی کرده‌اند. فرنجه از جمله سیاستمداران مسیحی نزدیک به حزب‌الله و دولت سوریه است. او در مقایسه با دو حزب بزرگ مسیحی «جریان ملی آزاد» (به رهبری «جبران باسیل») و «نیروهای لبنانی» (به رهبری «سمیر جعجع») وزن کمتری در میان مسیحیان لبنان دارد.

حزب‌الله و جنبش امل برای جلب حمایت ۶۵ نماینده پارلمان راه دشواری را پیش‌رو دارند. از سوی دیگر حتی اگر چنین حمایتی جلب شود این امکان وجود دارد که نمایندگان مخالف ریاست‌جمهوری فرنجه، از طریق آستراکسیون جلسه پارلمان را از حد نصاب خارج کنند.

از سوی دیگر تعیین رئیس‌جمهور صرفاً با اتکا به آراء شیعیان و اهل تسنن و دروژی‌ها و بدون حمایت احزاب اصلی مسیحی، وزن رئیس‌جمهوری را در عرصه سیاسی لبنان کاهش خواهد داد. از این رو فرنجه برای رسیدن آسان‌تر به صندلی ریاست‌جمهوری نیاز به حمایت دست‌کم یکی از دو حزب جریان ملی آزاد و نیروهای لبنانی دارد.

به‌رغم اینکه حزب‌الله و جریان ملی آزاد از سال ۲۰۰۶ پیمان اتحاد امضا کردند و در دوره قبل هم حزب‌الله از ریاست‌جمهوری میشل عون رهبر وقت جریان ملی آزاد، حمایت کرد اما طی ماه‌های اخیر به دلیل بروز برخی اختلافات، این دو حزب از هم فاصله گرفته‌اند؛ هرچند که هنوز به سمت لغو اتحاد سال ۲۰۰۶ نرفته‌اند. جبران باسیل رهبر جریان ملی آزاد صراحتاً بیان کرده است که از ریاست‌جمهوری فرنجه حمایت نمی‌کند. در همین حال، سمیر جعجع رهبر حزب نیروهای لبنانی نیز که قطب مقابل حزب‌الله و نیز جریان ملی آزاد است، با فرنجه مخالفت کرده است.

در بلوک مقابل حزب‌الله، تا کنون چهره مهم و تاثیرگذاری به‌عنوان کاندیدا مطرح نشده است. حزب نیروهای لبنانی در چند جلسه پارلمان «میشل معوض» را به‌عنوان کاندیدا معرفی کرد که نتوانست رأی و حمایت بالایی را کسب کند. با این حال گفته می‌شود یکی دیگر از گزینه‌های احتمالی این بلوک، «جوزف عون» فرمانده ارتش لبنان است که گرچه در عرصه سیاست نبوده اما به‌عنوان شخصیت مورد اعتماد آمریکا و نیروهای غرب‌گرا نیز از او یاد می‌شود. با این حال او در بین همه طیف‌های مسیحی حامی ندارد. جبران باسیل در عین مخالفت با فرنجه، با جوزف عون هم ابراز مخالفت کرده است.

در چنین وضعیت پیچیده‌ای، به نظر می‌رسد آنچه بتواند گشایش ایجاد کند، تحولات خارجی و نقش عوامل منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای است؛ فرانسه یکی از بازیگران مهم در این عرصه است. این کشور چندی پیش مکانیسمی را برای گشایش سیاسی در لبنان ارائه کرد؛ به این گونه که فرنجه به‌عنوان شخصیت نزدیک به جریان ۸ مارس در مسند ریاست‌جمهوری

قرار بگیرد و در مقابل «تمام سلام» به‌عنوان شخصیت نزدیک به ۱۴ مارس به نخست‌وزیری برسد. این پیشنهاد فرانسه با هدف ایجاد نوعی توازن و رسیدن گروه‌های لبنانی به اجماع مطرح شد. گفته می‌شود که حزب‌الله با این پیشنهاد موافقت کرده است اما احزاب مقابل، هنوز موضع روشنی در این قبال نگرفته‌اند.

در این میان به نظر می‌رسد باز شدن گره اصلی در دست عربستان سعودی باشد. ریاض طی سال‌های اخیر، نوعی بازیگری سلیبی را در لبنان در پیش گرفته بود و هرگونه گشایش و تغییر موضع خود را منوط به کنار رفتن حزب‌الله از عرصه سیاسی لبنان می‌دانست. بر همین اساس، عربستان و گروه‌های حامی این کشور در لبنان، مخالف تصدی کرسی ریاست‌جمهوری لبنان توسط شخصی همچون میشل عون که نزدیک به حزب‌الله بود، بوده است.

اما بعد از توافق ایران و عربستان در ماه مارس سال ۲۰۲۳ که دو طرف روابط دیپلماتیک خود را بعد از هفت سال، از سر گرفتند و وارد نوعی فرایند تنش‌زدایی شدند، این گمانه مطرح شده که این توافق، پیامدهای ایجابی بر فضای لبنان داشته باشد. با توجه به نفوذ هر دو کشور در عرصه سیاسی لبنان، ورود دو طرف به دوره تنش‌زدایی این احتمال را افزایش داده که گروه‌های نزدیک به هر دو کشور در لبنان نیز به سمت دوری از تنش‌ها و اختلافات و حرکت به سمت همگرایی بیشتر بروند. بنابراین این احتمال بالا است که پرونده انتخاب رئیس‌جمهور لبنان در سال ۱۴۰۲ به سمت حل نهایی حرکت کند.

اما پیش‌بینی می‌شود پیامدهای توافق تهران و ریاض بر لبنان، به‌صورت تدریجی و آرام باشد. این مسئله دو دلیل دارد: نخست اینکه به دلیل اولویت حل بحران یمن برای عربستان سعودی، این کشور هرگونه تغییر سیاست خود در لبنان را منوط به حل بحران یمن می‌داند. به بیان دیگر عربستان منتظر است تا میزان همراهی ایران در پروسه صلح در یمن و سوق دادن گروه انصارالله به سمت توافق با عربستان را ببیند و پس از آن به سمت تغییر رویکرد خود در لبنان حرکت کند. دوم اینکه گروه‌های لبنانی فارغ از تأثیرپذیری از معادلات منطقه‌ای، خود دارای محاسبات مجزا و محلی هستند و حرکت آن‌ها به سمت حل اختلافات و رسیدن به توافق در پرونده ریاست‌جمهوری منوط به این است که اختلافات خود را در یک مکانیسم مورد اجماع، حل کنند که این مسئله زمان‌بر است.

بر این اساس در صورت گشایش سیاست سعودی در قبال لبنان، به نظر می‌رسد چهار سناریو را می‌توان در پرونده انتخاب رئیس‌جمهور متصور بود: سناریوی نخست، انعطاف برخی گروه‌های مسیحی مخالف حزب‌الله همچون حزب نیروهای لبنانی در مسیر حمایت از فرنجه؛ همانند آنچه در سال ۲۰۱۶ در جریان انتخاب میشل عون رقم خورد. تحقق این سناریو می‌تواند در قالب طرح پیشنهادی فرانسه باشد که فرنجه رئیس‌جمهور شود و تمام سلام از جریان ۱۴ مارس نخست‌وزیر شود.

سناریوی دوم این است که حزب‌الله و جنبش امل دست از حمایت فرنجه بردارند و از گزینه‌های نزدیک به آمریکا و عربستان سعودی -مثلاً جوزف عون- حمایت کنند که البته تحقق این سناریو در مقایسه با سناریوی اول ضعیف‌تر است چرا که جبهه مقابل حزب‌الله و امل، در حمایت از یک گزینه واحد، انسجام ندارد. سناریوی سوم این است که همه جریان‌های سیاسی بر سر چهره‌ای که اشتها به نزدیکی به هیچ یک از دو قطب اصلی سیاسی در لبنان ندارد، به اجماع برسند که البته تحقق این سناریو به دلیل نبود یک شخصیت قوی که دارای چنین ویژگی باشد ضعیف است.

سناریوی چهارم، ادامه وضعیت کنونی یعنی استمرار خلأ ریاستی در لبنان است. گرچه بعد از توافق تهران و ریاض، امیدها نسبت به پایان خلأ ریاستی بیشتر شده اما اگر منافع گروه‌های لبنانی نتواند در یک نقطه به تلاقی برسد ادامه خلأ ریاستی دور از ذهن نیست. از سوی دیگر ممکن است عدم پیشرفت در پرونده یمن نیز باعث شود تا سعودی‌ها در مسیر گشایش سیاسی در لبنان همراهی نکنند. اما به نظر می‌رسد در میان این چهار سناریو، سناریوی نخست و دوم محتمل‌تر از بقیه باشد. در صورتی که پرونده ریاست‌جمهوری لبنان در سال جدید به سرانجام برسد، دومین پرونده مهم، تشکیل دولت است. اگر روند توافق بر سر تعیین ریاست‌جمهوری از جنس توافقاتی فراگیر باشد، معمولاً در قالب همان توافق، وضعیت دولت

آینده و اینکه چه کسی نخست‌وزیر شود و ترکیب دولت چگونه باشد، روشن می‌شود. با این وجود ترکیب متکثر پارلمان باعث می‌شود روند توافق بر سر ترکیب دولت جدید دشوار باشد. این دشواری به‌ویژه زمانی است که قرار باشد دولت وفاق ملی تشکیل شود که در این صورت تمامی جریان‌های سیاسی به اندازه خود سهمی در کابینه خواهند داشت که به دلیل منافع متضاد جریان‌های سیاسی ممکن است این روند طولانی و کند طی شود.

مسئله دوم لبنان در سال ۱۴۰۲: بازسازی اقتصاد بحران‌زده

دومین مسئله‌ای که لبنان در سال ۱۴۰۲ با آن روبه‌رو است ادامه بحران اقتصادی است؛ بحرانی که حدود سه سال و نیم است که لبنان را درگیر خود کرده و هرچه زمان گذشته است، عمیق‌تر و گزنده‌تر شده است. سقوط ارزش لیره واحد پول لبنان مهم‌ترین جلوه و نماد این بحران است که روند آن از پاییز سال ۲۰۱۹ آغاز شد. هر دلار آمریکا در آن سال معادل ۱۵۰۰ لیره بود، نرخ که قریب بیست سال ثابت مانده بود. اما با آغاز بحران اقتصادی در لبنان روز به روز ارزش پول لبنان کاهش یافت. به گونه‌ای که در زمان نگارش این گزارش (ماه آوریل ۲۰۲۳/فروردین ۱۴۰۲) هر دلار آمریکا معادل ۱۰۰ هزار لیره است. ریشه بحران اقتصادی لبنان در بحران نقدینگی بانک‌های این کشور باز می‌گردد. ناترازی نظام بانکی، خروج حجم گسترده دلار از حساب‌های بانکی به خارج، بحران کرونا، تحریم‌های آمریکا، انفجار بندر بیروت هر یک به تنهایی عواملی بودند که منجر به تضعیف پشتوانه دلاری اقتصاد لبنان شدند. این وضعیت منجر به تورم افسارگسیخته در اقتصاد لبنان شده است. متوسط قیمت کالاها در لبنان از زمان آغاز بحران اقتصادی در سال ۲۰۱۹ تا کنون، بیش از ۱۴۰۰ (هزار و چهارصد) درصد افزایش یافته است؛ به تبع آن، قدرت خرید مردم کاهش یافته و فقر افزایش یافته است به‌طوری که بر اساس آمار رسمی، بیش از ۸۰ درصد از مردم لبنان زیر خط فقر قرار دارند. بیکاری نیز به نحو بی‌سابقه‌ای افزایش یافته و نرخ آن به ۳۰ درصد رسیده است. بانک جهانی در گزارش خود بحران اقتصادی لبنان را یکی از سه بحران بزرگ جهانی از قرن نوزدهم تا کنون دانسته است.

دولت لبنان طی سه سال و نیم اخیر عملاً نتوانسته بحران اقتصادی را مهار کند. از سوی دیگر استمرار بحران سیاسی و خلأ ریاست‌جمهوری و نبود یک دولت با اختیارات کامل، باعث وخامت بیشتر اوضاع اقتصادی شده است. طبق توافقی که آوریل سال ۲۰۲۲ صورت گرفت، صندوق بین‌المللی پول گرچه قرار شده ۳ میلیارد دلار به لبنان وام دهد اما اعطای آن را منوط به اعمال اصلاحات در نهادهای مالی و بانکی این کشور کرده است ولی هنوز اقدام عملی و مهمی در مسیر این اصلاحات انجام نشده است.

پیش‌نیاز حرکت لبنان به سمت حل بحران اقتصادی، انتخاب رئیس‌جمهور و تشکیل دولت است؛ در این صورت مهم‌ترین مأموریت دولت جدید، اصلاحات ساختاری در نظام بانکی و مالی لبنان و شفاف کردن روندها است؛ خواسته‌ای که مورد تاکید نهادهای مالی بین‌المللی همچون صندوق بین‌المللی پول در ازای اعطای کمک به این کشور است.

از سوی دیگر چنانچه تشکیل دولت همزمان با گشایش سیاست سعودی در قبال لبنان و کاهش فشارهای آمریکا علیه این کشور شود، این امکان وجود دارد که لبنان بتواند از کشورهای عربی به‌ویژه کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس سرمایه جذب کند؛ تجربه ثابت کرده که ورود سرمایه‌های عربی به لبنان می‌تواند جان تازه‌ای به اقتصاد این کشور دهد، چیزی که در دهه ۱۹۹۰ بعد از جنگ‌های داخلی رخ داد.

اما اگر رئیس‌جمهور به زودی تعیین نشود و دولت جدید نیز مستقر نشود، پیش‌بینی می‌شود روند حرکت لبنان به سمت اضمحلال اقتصادی با سرعت جلو برود؛ رویدادی که می‌تواند پیامدهای اجتماعی و حتی امنیتی در این کشور و منطقه داشته باشد. هرچند که پیش‌بینی می‌شود با توجه به گشایش‌های اخیر در منطقه و تنش‌زدایی در روابط کشورهای منطقه، لبنان نیز از پیامدهای مثبت این فضا بهره‌مند شود.

جمع‌بندی

سال پیش‌رو، سال سرنوشت‌سازی برای لبنان است. این کشور همزمان با دو بحران بزرگ دست و پنجه نرم می‌کند. بحران نخست خلأ ریاست‌جمهوری و خلأ دولت در این کشور است که عملاً تصمیم‌گیری در این کشور را متوقف کرده است. بحران دوم نیز استمرار روند فروپاشی اقتصادی است. حل بحران دوم در گرو حل بحران نخست است. تا زمانی که رئیس‌جمهور تعیین و دولت جدید نیز تشکیل نشود، هیچ چشم‌اندازی برای اصلاح وضعیت اقتصادی وجود ندارد. اما به نظر می‌رسد چشم‌انداز گشایش وضعیت سیاسی در لبنان پس از توافق تهران و ریاض دست‌کم از گذشته روشن‌تر شده است. کاهش تنش بین این دو بازیگر منطقه‌ای احتمالاً بر محاسبات گروه‌های همسو با این دو کشور در لبنان نیز تاثیر می‌گذارد و می‌تواند آن‌ها را به سمت نوعی کاهش تنش و رسیدن به توافق برای گشایش سیاسی سوق دهد. اما به نظر می‌رسد این روند به سرعت رخ نخواهد داد چرا که فارغ از ملاحظات و منافع قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، خود گروه‌های لبنانی دارای منافع و محاسبات خاص خود هستند و رسیدن آن‌ها به نقطه تلاقی، احتمالاً نیاز به زمان دارد. از سوی دیگر در محاسبات قدرت‌های منطقه‌ای به‌ویژه عربستان سعودی مسئله لبنان، دارای اولویت و فوریت نیست. اما در صورت تعیین رئیس‌جمهور و تشکیل دولت، مهم‌ترین پروژه اصلاحی دولت لبنان، اصلاحات ساختاری مورد نظر صندوق بین‌المللی پول و نیز جذب سرمایه‌گذاری خارجی به‌ویژه از سوی کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس است.

اما فارغ از دو مسئله احیای قوه مجریه و بازسازی اقتصاد که به‌عنوان مسائل کوتاه‌مدت برای لبنان شناخته می‌شود، این کشور با ابربحران‌ها و چالش‌های بنیادینی روبه‌رو است که موانع اصلی در مسیر ثبات و توسعه پایدار این کشور است. زیربنایی‌ترین بحران لبنان، طایفه‌گرایی در این کشور است. تقسیم مناصب سیاسی و اداری به ۱۸ طایفه رسمی در این کشور عملاً نهاد دولت را تبدیل به یک کیک کرده که باید تکه‌های آن را بین این طوایف تقسیم کرد. به عبارت دیگر مسئله اصلی در لبنان، سازش و نزاع طوایف برای تقسیم قدرت است و در این بین کارآمدی نهاد دولت به مسئله‌ای فرعی تبدیل شده است. از سوی دیگر، ساختار مبتنی بر محوریت طوایف، فساد و رانت گسترده‌ای را در این کشور ایجاد کرده است و همچنین به دلیل منافع متضاد طوایف و احزاب برآمده از آن‌ها، تصمیم‌گیری در لبنان امری کند و زمان‌بر است. این وضعیت عملاً نهاد دولت را تبدیل به یک نهاد ضعیف و ناکارآمد و فاسد کرده است. گرچه اعتراضاتی علیه ساختار طایفه‌ای لبنان طی سال‌های اخیر صورت گرفته اما قدرت چندانی برای تغییر وضعیت موجود نداشته است. با این وجود استمرار ساختار کنونی عملاً لبنان را به سمت نوعی بن‌بست کشانده است.

به نظر می‌رسد در میان‌مدت، تغییر ساختار طایفه‌ای در لبنان امری بعید باشد. اما یکی از احتمالات، برگزاری یک کنفرانس تاسیسی از جنس کنفرانس طائف بعد از جنگ‌های داخلی با حضور جریان‌ات اصلی است. امروز در لبنان بر سر مسائل بنیادین چون نوع ساختار دولت (متمرکز یا فدرال)، سیاست خارجی (بی‌طرفی یا اتحاد با محورهای منطقه‌ای)، امنیتی (سلاح حزب‌الله) اختلافات بنیادینی وجود دارد. هدف از این کنفرانس می‌تواند توافق بر سر مسائل بنیادین اقتصادی و سیاست داخلی و سیاست خارجی و امنیتی باشد تا دست‌کم مسیر نسبتاً همواری را برای حرکت لبنان به سمت جلو و خروج از بن‌بست کنونی فراهم کند.